

نشست با دانشجویان: بررسی و شرح روایت دعایی "اللهم ارنی الاشیاء كما هی"

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی مهدوی راد^۱

مقدمه

روایت و دعای عجیب و عمیق و تأمل در آن کارساز و نقش آفرین است^۲. در منابع روایی ما آمده: **"کان یدعوا رسول الله اللهم ارنی الاشیاء كما هی"**^۳ پیامبر خدا صلی الله علیه وآله و سلم همواره دعا میکرد خدایا هر چیزی

۱. محمدعلی مهدوی راد، قرآن پژوه، سال ۱۳۳۴ در روستایی به نام «ینگجه» از بخش سروایت نیشابور متولد شد تحصیلات ابتدایی را در همان دیار گذراند و پس از آشنایی با مقدمات ادبیات عرب، در سال ۱۳۴۸ وارد حوزه علمیه مشهد شد و در مدرسه آیت الله العظمی میلانی که با شیوه منظم و نو اداره می شد، تحصیل علوم دینی را آغاز کرد، وی سال ۱۳۵۴ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفت و دروس سطح و خارج فقه و اصول را نزد استادان صاحب نام این حوزه سپری کرد. از سال ۱۳۵۸ در کنار تحصیل و اشتغال به کارهای تبلیغی، پژوهش در حوزه علم قرآنی را آغاز کرد، ایشان در کنار درس های حوزوی، سه سال در درس تفسیر حضرات آیات سیدعلی خامنه ای، مرحوم آیت الله حاج میرزا جواد تهرانی و آیت الله سیدعزالدین زنجانی حاضر شد و این دروس، نخستین بذره های علاقه و کشش به معارف قرآنی را در نهاد جان وی قرار داد. او بعد از هفت سال اقامت در مشهد، به لحاظ تلاش های سیاسی و تعقیب ساواک خراسان، با صلاحید خطیب پرآوازه آن روزگار شهید هاشمی نژاد مشهد مقدس را ترک و به قم هجرت کرد. در آنجا رسائل، مکاسب، کفایه و دوره عالی اجتهادی فقه و اصول را فرا گرفت، سال ۱۳۶۹ وارد دانشگاه شد و از همان آغاز، تدریس مقاطع تحصیلات تکمیلی را در علوم قرآن و حدیث به عهده گرفت. وی از نخستین همراهان مجله «حوزه» بود، سال ها مدیریت آن را بر عهده داشت و ده ها مقاله برای آن نوشت. سیر نگارش های علوم قرآنی، «مشعل جاوید»، «آفاق تفسیر» «تحفه العابدین» (تحقیق و تصحیح)، «تحفه الاخوان» (تحقیق و تصحیح، «موسوعه امام علی (ع)»، «با کاروان عشق»، «تراث الشیعه القرآنی»، «سیاست نامه امام علی (ع)»، «نظام دفاعی اسلام»، «راهنمای آینه پژوهش» و «تدوین الحدیث عند الشیعه الامامیه» از آثار قلمی وی به حساب می آیند. مقالات و آثار این دانشمند مجاهد، در جشنواره های متعددی حائز رتبه های ممتاز بوده از جمله «کتاب پژوه» و خادم فرهنگی مکتوب در نخستین هفته تاب، استاد تلاشگر و نمونه دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۴، محقق برجسته علوم قرآنی در نمایشگاه قرآن کریم و کسب رتبه دوم کتاب سال حوزه برای کتاب «سیر نگارش های علوم قرآنی» که اکنون متن درسی «علوم قرآنی» در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه هاست. در سال ۱۳۷۹ در جشنواره مطبوعات مقاله وی با عنوان «بازی با میراث، نقد یک سرقت» حائز رتبه نخست شد و همچنین در سال ۱۳۸۳ در جشنواره مقالات قرآنی، مقالات «تحریف» چاپ شده در دانشنامه جهان اسلام و مقاله «امامت در نگره قرآنی امام موسی بن جعفر (ع)» وی، رتبه اول را کسب کرد.

۲. استاد در ابتدا به خاطره ای که از این دعا دارد اشاره می کند: من سال های پیش در ایام عمره در مکه مقابل مستجار نشسته بودم آن جایی که غالباً شیعه ها بیشتر می نشینند و والده مکرمه حضرت علی علیه السلام از شکافی که در آن قسمت ایجاد شد آن جا بیرون آمدند و قبل از اسلام هم می گفتند مستجار، مستحب است کسی که طواف مستحبی می کند سینه را به دیوار کعبه می چسبانند و التجا می کند و خود را در پناه خدا قرار می دهد، مستجار در لغت به معنای جایگاه پناه است، من در مقابل مستجار نشسته بودم و در حال خودم بودم و زمزمه می کردم، برقی جهید و یک مرتبه این دعای پیامبر (ص) به ذهنم آمد، همان طور که در زندگی گاهی یک چیزی مثل گاز انبر آدم را می گیرد. (ان فی دهر حیاتکم نجات) و به طور ناگهانی انسان را تکان می دهد، وقتی گفتم اللهم ارنی الاشیاء كما هی یک مرتبه حالتی برام حاصل شد و بدنم گر گرفت. این دعای پیامبر هست انسان عادی دعا نکرده است

را همان گونه که هست به من نشان بده. شاید کسی بگوید این که روشن است چه نیازی به دعا کردن دارد؟ دقت کنید در توضیح این روایت باید گفت کلا دو نظام بر عالم وجود حاکم است. یک نظامی که بر کل هستی و عالم طبیعت حاکم است نظام تکوین است و تغییر و جابجایی این نظام در دست ما نیست "كُلُّ فِی فَلْکِ یَسْبَحُونَ"^۴ کوه جای خودش است. دریا جای خودش است درخت هم در جای خود است، نهال هم جای خودش هست، آن نظام و سستی که خداوند متعال درست کرده این ها به جای هم نمی روند، هیچ وقت ماه جای ستاره را نمی گیرد، آفتاب به جای ماه و ستاره نمی روند این دوتا به جای خودشان هستند و آفتاب هم به جای خودش هست، آن نظامی که خداوند متعال درست کرده این ها به جای هم نمی روند. در کل تکوین حرکتش غیر اختیاری است. اما نظام دیگر نظام تشریح این گونه نیست. من زندگی می کنم و خداوند رب من هست، خداوند رب العالمین است. در سوره حمد بارها آیه الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۵ در نماز واجب و در نماز مستحبی چندین مرتبه این را تکرار می کنیم. حمد تعبیر لطیفی دارد نه فقط شکر و نه فقط ستایش است. حمد به معنای کرنش، شکر، ستایش، خاکساری، تواضع فقط و فقط از آن خداست. چرا؟ چون رب است، رب یعنی کسی که هم نقشه راه را می دهد و هم بر آن اجرا نظارت و سرپرستی میکند. رب ابل یعنی سرپرست و حاکم شتر، او که هم کاهش را میریزد و هم میداند چگونه باراز او ببرد رب یعنی نقش بند زندگی است و نقش بند زندگی ما خداست.

هر چیزی در حد و اندازه ی خودش باشد

خداوند متعال در وحی هایی که بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم نازل کرد همه ی آنچه را باید انجام دهید خدا برای ما معین کرده است. گاهی انسان دست می برد و این امور را جابجا میکند. گاهی مستحب را جای واجب و واجب را جای مستحب میگذارد، این یعنی نظام تشریح را بهم ریختن، اگر کسی علی علیه السلام را این قدر ببرد بالا که او را خدا بداند علی راضی نیست، جای او را خراب کردن است علی حق است. در زمان امام صادق علیه السلام چون کوفی ها گرایش غلوی درباره ی امامان علیهم السلام پیدا کرده بودند کسی از کوفه

^۳ متن این روایت در کتابهای مصباح الأنس، ص: ۲۲۰، عوالی اللالی، ج ۴، ص ۱۳۲، ح ۲۲۸ و در صحیفه امام، ج ۱۹، ص: ۲۲۵، در لوامع صاحبقرانی این گونه معنا می کند که انسان عظمت و جلال الهی را بداند و حقارت و عیوب دنیا را ببیند و اهل دنیا را ببیند آن گونه که هستند و اهل آخرت را بشناسد (لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج ۸، ص: ۴۳۱).

۴. سوره انبیاء، آیه ۳۳، و سوره یس ۴۰

آمد مدینه به حضرت گفت افرادی در مورد شما هم این گونه فکر می کنند. مضمون سخن این است که امام فرمودند: **والله اگر به علی بن ابی طالب علیه السلام بگویند گناهکار بیشتر خوشش می آید تا بگویند خدا، علی علیه السلام خدا نیست بنده خدا است، هر چیزی را همون جوری که هست خدا به ما نشان دهد، کربلا، کربلا باشد، مکه، مکه باشد مدینه، مدینه باشد، واجب واجب باشد مستحب مستحب باشد علم علم باشد کار هم کار باشد، وقتی نظام تشریح به هم بخورد همه زندگی بهم می ریزد. آن وقت راز کلام پیامبر اکرم را متوجه می شوید چرا هر روز دعا کند خدایا هر چیزی را در همان حد و اندازه ای که هست به من نشان بده، در نظام تشریح هر چیزی جایگاهی دارد. زندگی ها را نگاه کنید چرا بهم می پاشه؟ زن جایگاه مرد می نشیند مرد هم جایگاه زن می نشیند، پدر جایگاه پسر می نشیند پسر هم جایگاه پدر می نشیند، در نظام تشریح هر کدام برای خودشان جایگاهی دارند. حالا اگر ما از همین حوادثی که برای میاد بگذرد در همان حدی که هست بدانیم و در همین حد از آن استفاده کنیم .**

قالب و محتوا هر کدام در جای خود

مرحوم مطهری می گوید: هر چیزی در هستی یک قالب و یک محتوا به عبارتی دیگر یک شکل و یک درون مایه دارد . این که پیامبر اکرم می فرماید: **"اللهم ارنی الاشیاء کما هی"** : یعنی این که خدایا کاری کن که در زندگی جای قالب و محتوا را جابجا نکنم. ما در قرآن تعابیری داریم مثل بسمه له ، حوقله، حنبله، صلوات، قبل از انقلاب یک سخنران غیر معمم به نام فخر الدین حجازی بود من در سن ۱۷ سالگی یک سخنرانی از ایشان گوش کردم عجیب من را تحت تاثیر قرار داد وقتی هم صحبت میکرد راه می رفت . او در مورد توبه تعبیر جالبی داشت. میگفت توبه یک قالب دارد و یک محتوا و قالب آن استغفرالله است و محتوای آن برگشتن. این را هم عملی نشان می داد می گفت این راهی را که می روی کلا از آن رو برگردانی و راه درست و مورد رضایت خداوند را بروی این می شود توبه. کربلا یک قالب دارد مجالس حسینی هم یک قالب دارد نماز هم یک قالب دارد و یک محتوا. مهم این است که قالب را در حد قالب ارزش بدهیم و محتوا را در حد محتوا در حد خودش جایگاه بدهیم. اگر من در قالب ماندم و در آن اصرار ورزیدم و از هدف باز ماندم این یک تحریف است. خدا بالاخره فرموده **"إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ"** یعنی نماز فحشاء را کلا و طرا از زندگی

می زداید، خدا که با ما با ما شوخی ندارد. چرا این نماز در زندگی ما تاثیر نمیکند؟ برای این که قالب و محتوای نماز سر جای خودش نیست. یا این که در قالب ماندیم و از محتوا و روح نماز بهره نبردیم. مقدمات و مقارنات نماز میگویند: لباس نماز گزار نباید غصبی باشد و الانماز اثر ندارد، مکان نماز گزار هم نباید غصبی باشد والا اثر ندارد، این همه لقمه ی حرام می خورد و مدام بگوید: مالک یوم الدین، مالک یوم الدین. چرا فقط می گوئیم مالک یوم الدین؟ مگر خداوند متعال مالک این دنیا نیست؟ برای است که تکوین در قیامت تجلی پیدا می کند و در دنیا تشریح تجلی دارد. گاهی به خطا و از سر نادانی انسان جای خدا می نشیند اما خدا در تمام صحنه ی قیامت فرشته فریاد می زند " لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ"^۶ حاکمیت از آن کیست فرعون سرش را پایین می اندازد و می گوید " لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ"^۷ امروز حاکمیت برای خداست. عزیز من چرا مدیر شدی پزت می رود بالا؟ چرا رئیس شدی کسی را نمی شناسی؟ برای این که نمی دانید جابه جایی یعنی چه

درس آموزی حادثه ی کربلا

دهه محرم هست، حادثه کربلا بسیار سخت و درس آموز است قطعا و جزما و حتما این همه که ائمه بر آن تاکید کردند و حساسیت به خرج دادند بخاطر این است که درس آموزی آن بسیار بسیار بالا هست. ثواب زیارت امام حسین علیه السلام حتی از ثواب زیارت رسول الله به نص صریح روایت بالاتر است. فقط یک استثنا دارد در کامل الزیارات ابن قو لویه قمی آمده زیارت امام رضا علیه السلام ثوابش بیشتر است، علامه امینی در شرح این روایت می گوید: این تاکید بر زیارت امام رضا علیه السلام مربوط به یک مرحله زمانی خاصی است که رفتن به زیارت امام رضا علیه السلام با سختی و موانعی همراه بوده و امام هادی برای تشویق بیشتر فرموده است. والا علی اطلاق زیارت امام حسین علیه السلام بالاتر است. چرا؟ ، چون درس آموزی آن بیشتر است. همین کتاب کامل الزیارات ۹۰ درصد روایات، مربوط به امام حسین علیه السلام است و ۱۰ درصد روایات در مورد رسول صلی الله علیه و آله و سایر ائمه است و بقیه توصیه به زیارت امام حسین علیه السلام معلوم می شود این یک اهمیتی دارد، معلوم میشه در زندگی ما به کنش و واکنشی دارد. به همان اندازه بفهمیم و گرنه قالب اگر بدون محتوا ارزشی ندارد. توصیه می کنم خطبه ی ۱۷ نهج البلاغه بخش آخر را بخوانید می

۶.سوره غافر، آیه ۱۶

۷.همان آیه

فرماید: اگر قرآن را آن گونه که هست مردم به کار نگیرید بدترین شیئی خواهد بود که در دست آنان است. پس به طور کلی که هر چیزی آن وقت برای ما مهم خواهد بود که در همان چارچوبی که خدا است که در نظام تشریح برای ما معین کرده است آن را دریابیم و بفهمیم و آن را در همان حدود بکار گیریم.

خدایا فهم حقایق را آن چنان که هست به ما عنایت کن.

زندگی و مرگ ما را حسینی کن

رفت و آمدهای ما عزاداری های ما را ذخیره ی آخرت ما کن.